



۱.	عالم فرزانه و خستگی ناپذیر در منصب ریاست جمهوری در گام دوم انقلاب
۲.	طرح صیانت از کاربران
۳.	تغییرات اقلیم و خشکسالی
۴.	بررسی تفاهم نامه ایران و چین
۵.	چالش های اقتصادی پیشروی دولت جدید
۵.	ولنگاری فرهنگی
۶.	روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و ترکیه
۷.	مذاکرات ۱+۵ (رویکردها، نتایج و عواقب)
۸.	شناخت و تفاوت طالبان با داعش و القاعده
۹.	چالش طالبان برای ایران
۱۰.	فضای مجازی (چالش های فرهنگی و راهکارها)



جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه گیلان

صاحب امتیاز:

تشکل جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

مدیر مسئول:

محمدرضا ضیاء آبادی

سر دبیر:

محمد برم مشگینی

هیئت تحریریه:

محمدرضا ضیاء آبادی، امیر محمد امجدیان، دانیال فیروزی، محمد

شفیعی، آروین مجلسی، میثم قلی پور، فرید جواد ثمرین، ساجده

ایرانی، سارانداری، مریم محمدزاده

مدیر اجرایی:

احسان درستکار، آرمان زینعلی

ویراستار:

فاطمه کشتکار، ساجده ایرانی

پل ارتباطی با جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان: jad_guilan_admin

آدرس صفحات مجازی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان: jad_guilan

عالم فرزانه و خستگی ناپذیر در منصب ریاست جمهوری در گام دوم انقلاب

نویسنده: محمدرضا ضیاء آبادی | کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی شهری

بدانیم زیرا از دغدغه ها و اهداف آیت الله ریسی رسیدن به آرمان های انقلاب اسلامی است که از جمله آن عدالت است. در صحبت های متعدد رئیس دولت سیزدهم مردم محوری، مبارزه با فساد و عدالت سرلوحه بوده است و اگر ما در سابقه آیت الله ریسی نیز جست و جو کنیم به خوبی مبارزه با فساد و مردمی بودن را مشاهده می کنیم. از سوی دیگر در دیدار دانشجویان با رهبر معظم انقلاب، رهبری تحول را در همه زمینه ها لازم دانستند. در واقع تحول به معنی جهش در تمام زمینه ها به عنوان مثال رونق اقتصاد، اعتلای فرهنگ و غیره. ایجاد تحول نیز در سابقه مدیریتی آیت الله ریسی در آستان قدس و قوه قضاییه به خوبی مشهود است. با همه این ها دولت جدید باید وضعیت کشور را بهبود بخشد که این پتانسیل وجود دارد. مردم با رای خود به دولت مردمی، ثابت کردند پای آرمان های انقلاب اسلامی و ولی فقیه هستند. حال دولت باید با حرکتی جهادی و انقلابی بتواند موانع را برطرف کند و مشکلات اقتصادی مردم را حل کند. ۸ سال عملکرد افتضاح دولت روحانی باعث شکاف بین مردم و دولت شد و اعتماد مردم را به دولت کاهش داد. با همه این ها خوشحالیم که دولتی از جنس مردم سر کار آمد که دغدغه های مردم را می داند و برای حل مشکلات برنامه دارد و از طرف دیگر بدنبال اعتلای انقلاب اسلامی است.

حضرت آیت الله دکتر سید ابراهیم ریسی که سوابق ارزنده ای را در کارنامه خود دارد، حکم تنفیذ خود را در طلوعه ی گام دوم انقلاب از رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی) دریافت نمودند. روی کار آمدن دولت مردمی امیدی است برای مردم ایران زمین که ۸ سال تمام با دولتی مواجه بودند که خوی اشرافی گری داشت و موجب تضعیف ایران بزرگ در تمام زمینه ها شد. اتمام دولت روحانی، بهتر بگویم پایان هشت سال دفاع مقدس مردم ایران در برابر دروغ، تزویر، ناکارآمدی، نجومی بگیران، دیپلماسی التماسی و از همه مهم تر، معطل ماندن ظرفیت های کشور بود. در مقابل دولت مردمی نگاهش به ظرفیت های داخلی بخصوص استفاده از جوانان به عنوان موتور پیشرفت کشور در قسمت های مختلف است. دولت آیت الله ریسی متعلق به همه مردم ایران است. اقتصاد کشور را معطل ۵ تا کشور نمیکند و از تمام پتانسیل های اقتصادی در خاورمیانه استفاده میکنند. دولت مردمی از نسل ما می توانیم خواهد بود، همان نسلی که با وجود همه تحریم ها و ترورهای دانشمندان هسته ای توانست سانتریفیوژ تولید و غنی سازی اورانیوم را به ۲۰ درصد برساند. همان نسلی که توانست ماهواره به فضا پرتاب کند و در حوزه علم و دانش در جهان بدرخشد. در واقع این دولت را میتوانیم یک دولت تراز انقلاب اسلامی



طرح صیانت از کاربران

مریم محمدزاده | مقطع کارشناسی مدیریت بازرگانی دانشگاه گیلان

و «پوشش دلخواه» راه انداخته اند، اما افراد محجبه را مورد حمله قرار می دهند و بدترین توهین ها را به آنها می نمایند. من عمیقا باور دارم که باید با این چالش های فرهنگی به راه افتاده جنگید؛ هرچند که راه بسیار سختی در پیش داشته باشیم! من به عنوان عضوی از نسل جوان کشورم، نگران زندگی فرزندی هستم که در آینده من را «مادر» خطاب می کند. کاش دولت به جای فیلتر کردن شبکه های اجتماعی یا جلوگیری از ادامه فعالیت مردم در آنها، قوانین جدید و سرسختانه برای استفاده از آنها وضع کند.

قطعا جای کسی که عقلش در چشمانش قرار دارد و کسی که از سلامت روان لازم برخوردار نیست و پر از عقده و حقارت است، در فضایی که تا این حد در باطل جلوه دادن حق و حق جلوه دادن باطل قدرتمند است، نیست. در پایان تمام نقدهای وارد بر فضای مجازی، باید درآمدهای سالمی که مردم از این طریق کسب می کنند نیز مورد توجه قرار گیرد.

باید در نظر گرفت که طرح صیانت از کاربران که یکی از راه های مقابله با تهاجم فرهنگی است، زمانی می تواند به موفقیت دست یابد که منجر به آجر شدن نان کسانی که سال ها برای تولید محتوای سالم و عرضه کالا و هنر خود تلاش کرده اند، نشود. زمانی این طرح می تواند با چالش های فرهنگی به راه افتاده به روشی موثر مقابله کند که مردم برای یادگیری، تحصیل و کسب درآمد سالم، محدود نشوند. ما قبل از هر تصمیمی باید آن دسته از افرادی که همیشه چوب نادانی عده دیگری را می خورند، مورد توجه قرار دهیم.

سال هاست که بخش عظیمی از زندگی ما، متعلق به فضایی است که ما را از زندگی حقیقی خود دور کرده و به موجودی بی تفاوت نسبت به یکدیگر تبدیل کرده است. فضایی از نوع مجازی...

فضای مجازی با ما کاری کرد که عده کثیری از ما پر از شعارهای پوچ و توخالی شده و هنگام عمل، رفتاری کاملا متفاوت با آنچه ادعا کرده ایم، از خود بروز دهیم. کاری کرد که از آدم های مجازی، آدم هایی که قطعا در دنیای حقیقی از زمین تا آسمان متفاوت از آنچه که ادعا می کنند، هستند، برای خود بت بسازیم. فضای مجازی موجب شد که با ادعای روشن فکری و با سر دادن شعار فمینیستی، از برهنه شدن زنان سرزمینمان خشنود شده و حمایت کنیم و ایستاده به افتخار این بی آبرویی و از بین بردن ارزش یک زن، دست بزنیم و او را الگوی نسل جوان بنامیم. فضای مجازی موجب شد کورکورانه دنباله روی روحانی نمایی شویم که حتی از کوچک ترین وظیفه شرعی خود، ناآگاه است و در حالی که صدای قهقهه اش در لایو اینستاگرام با فلان خانم خواننده از همه تلفن های همراه شنیده می شود، او را فردی متمدن و روشن فکر بدانیم.

و از طرف دیگر، تخریب کننده شخصیت و علم روحانی هایی باشیم که به لطف اخبار کذب «منو تو و BBC» باطل جلوه داده شده اند؛ حال آنکه سال ها در راه حق تلاش نموده اند. امروزه فضای مجازی، قاتل ارزش های دینی و اخلاقی بشریت است. فضایی که «اینستاگرامش» حتی از تصویر حاج قاسم ما وحشت دارد و به بهانه نقض شدن قوانین، تصاویرش حذف می شوند و تصاویر مستهجن، با توجیه عدم نقض شدن قوانین مضحک، همچنان بر روی صفحات باقی می ماند. فضای مجازی، فضایی است که آدم هایش شعار آزادی بیان سر می دهند و خود، افراد متدین را برای بیان عقایدشان، مورد تهاجم قرار می دهند. فضایی که در آن، مردم هشتگ «آزادی پوشش»



تغییرات اقلیم و خشکسالی

امیرمحمد امجدیان | دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه گیلان

از عوامل دیگر این مساله ، پروژه‌های انتقال آب سر شاخه رودخانه‌های استان خوزستان به سایر استان‌های فلات مرکزی کشور عنوان میشود به طور کلی پروژه‌های انتقال آب بین حوضه های آبریز در دنیا پروژه های بسیار رایجی هستند که با هدف تامین آب شرب، کشاورزی و صنعتی و تولید انرژی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۷ درصد از میزان حجم آب برداشت شده در دنیا توسط پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای جابه‌جا می‌شود همچنین یکی از علت‌های اساسی که پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای در ایران از دیرباز سابقه دارد، مسئله تناسب نداشتن گستره بارش و جمعیت در کشور است. اما از آنجا که پدیده های زیست محیطی اغلب بر تمام جوانب اقتصادی ، اجتماعی سیاسی و ...تاثیرگذار است ،باید تمام این جوانب به علاوه فاکتور زمان در طرح های آبخیزداری از جمله انتقال آب لحاظ شود. در خصوص انتقال آب بین حوضه ای طبق تجارب به دست آمده در دنیا و مطالعات علمی معیارهایی برای توجیه طرح های انتقال بین حوضه‌ای مشخص گردیده که باید در این طرح ها مورد توجه قرار گیرند یکی از معیار ها اینست که در این طرح ها باید اثبات شود که حوزه مبدأ دچار کمبود آب نمی شود معیار دیگر اینست که در حوضه مقصد همه راهکارهای مدیریت اب و کاهش مصرف را انجام دهیم که متاسفانه این معیار نیز خیلی مورد توجه نبوده و شاهد تقاضای شدید آب برای مصارف کشاورزی و صنایع سنگین و آب بر مانند فولاد در فلات مرکزی ایران می باشیم در همین راستا طبق بررسی های سال ۹۳ به ازای انتقال هر متر مکعب آب به فلات مرکزی ایران باید دولت ۲۰۰۰ تومان هزینه کند این در حالیست که به ازای هر مترمکعب اب در بخش کشاورزی سودآوری در هر هکتار ۴۰۰ تومان بود .

اما یکی دیگر از علل کم آبی ،کمبود انرژی و از بین رفتن محیط زیست در کشور قیمت‌گذاری دستوری در سیستم سیاستگذاری کشور است مصرف سرانه ایران در مجموع انرژی ها ۳-۷ برابر متوسط دنیاست درواقع انرژی و محیط زیست بخشی از محاسبه هیچ بنگاه اقتصادی و مصرف کننده ای نیست و ارزانی برق و آب سبب شده که آب ارزشمند زیرزمینی به پای محصولی ریخته شود که هیچ ارزش افزوده ای برای کشور ندارد به طور مثال برای تولید یک کیلوگرم هندوانه ۲۸۶ لیتر آب مصرف می شود.

بحران کم آبی و تغییر اقلیم در آینده نزدیک به مهمترین موضوع دنیا تبدیل می‌شود.در مواجهه با این پدیده علی‌الخصوص در کشورهای خشک و نیمه خشک وجود مدیریت راهبردی ، آینده نگری هوشمندانه همراه با انجام اقدامات متناسب با توان اکولوژیک کشور از سختی راه می‌کاهد.

در بین ده عامل تهدیدآمیزی که بشر را در قرن ۲۱ تهدید میکنند، اکنون پدیده تغییر اقلیم در رتبه نخست قرار دارد.بر اساس سناریوهای اقلیمی، تا اواخر قرن ۲۱،خشکسالیها از یک درصد در شرایط فعلی به ۳۰ درصد مساحت خشکیهای کره زمین خواهد رسید. پیش بینی ها در این راستا، حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ مسئله مدیریت منابع آب اصلیترین موضوع موردبحث در کشورهای گوناگون جهان خواهد بود.

شهرنشینی و توسعه شهرها، استفاده‌ی گسترده از سوخت‌های فسیلی، تغییر کاربری اراضی و افزایش جمعیت جهان و به دنبال آن گسترش روزافزون فعالیت‌های صنعتی برای تأمین نیازهای رو به افزایش موجب شد تا پس از انقلاب صنعتی، به تدریج تغییرپذیری‌های مشهودی در اقلیم کره‌ی زمین بوجود آید

بنابراین مساله تغییر اقلیم یک موضوع جهانیست و مهمترین عامل آن را می توان تولید بیش از اندازه گازهای گلخانه ای در جهان دانست که کشور ایران جزو ۱۰کشور اول دنیا و کشور اول خاورمیانه در تولید گازهای گلخانه ایست

اما کشور ایران با توجه به اقلیم خشک و نیمه خشک ، محدودیت منابع آب و توزیع نابرابر آن در مناطق مختلف سبب شده است که در مقایسه با بسیاری از کشورها نسبت به پدیده تغییر اقلیم آسیب پذیرتر باشد بنابراین اقدامات مدیریتی هوشمندانه ای در چنین اوضاعی می تواند از آثار سو آن تا حدودی بکاهد اما در این سالها علی رغم هشدارهای کارشناسان مختلف و همچنین با وجود تاکید صریح مقام معظم رهبری دربند هفتم ابلاغ سیاست های کلی محیط زیست مبنی بر مدیریت تغییرات اقلیم و مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی ، تصمیمات مناسبی از سوی دول محترم اتخاذ نشده و خوزستان، خاکریز هشت سال دفاع مقدس ، حالا در خط مقدم بحران های محیط زیستی هم به سر می برد.

پیرامون مشکلات کم آبی خوزستان برخی سدسازی را به عنوان عامل اصلی مساله عنوان میکنند در حالیکه سدسازی یکی از اساسی ترین اقدامات در مدیریت حوضه های آبخیز در جهان می باشد مثلا بیشترین ذخیره سد در کاناداست که به ازای هر فرد ۲۳هزار متر مکعب حجم ذخیره سد ایجاد شده اما در ایران فقط ۷۶۰ متر مکعب ذخیره سد برای هرنفر وجود دارد بنابراین در کشور ما در احداث سد زیاده روی نشده اما بیش از این هم نمی شود سد سازی انجام دادچون منابع کافی برای کنترل و مدیریت وجود ندارد بنابراین ساختن سد غلط نیست بلکه مدیریت منابع آب مورد انتقاداست؛





شماره ۳ / مرداد ماه ۱۴۰۰ / نشریه بینش / صفحه ۰۴

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

مدیر مسئول: محمدرضا ضیاء آبادی / سردبیر: محمد برم مشگینى

ویراستار: خانم ایرانی/ خانم کشتکار

پل ارتباطی با جاد گیلان از طریق آی دی تلگرام: @jad_guilan_admin



بررسی تفاهم‌نامه ایران و چین

دانیال فیروزی | دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی



شعارِ سَرَدرب وزارتِ اُمورخارجه مان چه میشود؟! اگر شعار نه شرقی نه غربی درست فهمیده بشود، یک شعار پایدار است. سیاست خارجه ما برخروجی اندیشه‌ها و تفکرات اعتقادی ماست. ما قاعده‌ای داریم تحت عنوان (لا تُظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ..). این قاعده می‌گه: نه ظلم می‌کنم و نه ظلم را می‌پذیرم! یعنی، من نه حاضرم سلطه‌ی شما را بپذیرم و نه حاضرم که برای کسی سلطه ایجاد کنم. حال بعضی می‌گویند رابطه با هر قدرتی درواقع یعنی نفی این قاعده؟! اصلاً کسی که این قاعده را مطرح می‌کند، حضرت امام (ره) هستند. شما تشریف ببرید، ببینید امام(ره) در دیدار با نماینده‌ی شوروی چه می‌گویند! نماینده‌ی شوروی تشریف می‌برد نزد امام(ره)، امام(ره) به ایشان می‌فرماید که ما خواهانِ روابطِ سیاسی و اقتصادی با جماهیر شوروی هستیم، به شرطی که بر اساس احترام متقابل باشد. ما که کینه ورزی ای نداریم! ما سلطه‌ی تو را نمی‌پذیریم. اگر می‌خواهید رابطه داشته باشیم، روابط‌ات براساس سلطه باشد، ما قبول نمی‌کنیم و نمی‌خواهیم! حالا اگر به چین نگاه کنیم، چین کشوری است که سابقه‌ی حتی یک مورد استعمارگری در کارنامه خودش ندارد! اگر رابطه‌ی با چین را کاوش بکنیم، از ابتدای انقلاب اسلامی هم همین بوده است. بعد از انقلاب، چین در جایگاه دشمنی با ما برنیامده، البته نه اینکه نگاه ما نسبت به چین قبل از انقلاب تغییری کرده باشد. گاهی تحلیل‌گران درحوزهٔ روابط، حتی به این نکته توجه ندارند که دیگر چین، آن چینِ سابق هم نیست! چینی که براساس رابطه با آمریکا بر روی ما نظرداشت! مشکل سیاست خارجه ما درارتباط با چین، این است که؛ تنظیم کننده‌ی روابط ما با چین از روز ابتدایی که رابطه مان ایجاد شد(یعنی ۵۰ سال پیش) آمریکایی‌ها بوده اند. ما در ایران توانایی چینش سیاست خارجه ای مستقل را نداشتیم. آمریکا بعد از اینکه آن دیپلماسی پینگ پُنگی را راه انداخت و رابطه‌اش با چین را احیا کرد، ما شاهد سفر شاه ایران و مجوز او به چین هستیم(اشرف برود، خانوم فرح برود و...) چرا؟! چون آمریکا اجازه داده است که ما می‌توانیم با چین رابطه داشته باشیم! یعنی همواره کشوری می‌بایستی به ما اجازه می‌داد تا با چین رابطه داشته باشیم، که آن متغیر آمریکا بود. توافق با چین می‌تواند فشار آمریکا را بشکند. اینگونه که تحریم‌های ثانویه علیه ایران زیرسؤال برود! تلاش‌ها برای منزوی کردن ایران بی‌ثمر بشود و موجب تضعیف! همکاری ایران با چین می‌تواند اهرمی باشد برای کاهش و یا حتی رفع تحریم‌ها علیه ایران. این همکاری اتفاق جدیدی هم نیست. این دو فرهنگ و کشور، از زمان جاده ابریشم با یکدیگر همکاری داشته اند. چین سرمایه دارد و اگر درست توافق شکل بگیرد و کار شود، می‌توان از سرمایه‌ی چین بهره برد. این توافق یک ظرفیت است! اینکه ما در این میان متضرر می‌شویم یا منفعت می‌بریم، دیگر برمی‌گردد به نحوه‌ی بازی کردن ایران. مثلاً اینکه مجوز ماهی‌گیری ای که به چین در خلیج فارس داده شده است و زندگی صیادان بندرعباسی ما را نابود کرده است، به این دلیل بوده که دولت بلد نبوده است قرارداد خوبی با چینی‌ها ببندد. اینک بستری مهیاست که اگر خوب بازی کنیم، منتفع می‌شویم و بهره می‌بریم، اما اگر بد بازی کنیم، آسیب می‌بینیم! مسأله قرارداد خوب و قراردادِ بد هست و بعد اینکه آیا ما می‌توانیم قرارداد اتحاد استراتژیک داشته باشیم یا خیر؟!

توافقی که میان ایران و چین امضاء شد، توافقی نهایی نیست و صرفاً نقشه‌ی راه توافق می‌باشد. درواقع، سند چشم اندازی است که شالوده ی توافق نهایی می‌باشد. در نتیجه، توافقی با ضمانتِ اجرایی نیست! ایران در حوزهٔ سیاست خارجه، همواره انزوای اتحاد استراتژیک داشته، درواقع هیچگاه یک متحد قوی استراتژیک نداشته است. برای نخستین بار است که در تاریخ روابط خارجه جمهوری اسلامی، این اتفاق رخ می‌دهد و چون یک پدیده‌ی جدیدی است، طبیعی است که موافقین و مخالفین خودش را هم در پی داشته باشد! دسته‌ی نخست، موافق اتحاد استراتژیک با چین هستند که معتقدند با این قرارداد ما می‌توانیم منافع ملی خودمان را تأمین کنیم. گروه دوم مخالفین این توافق هستند که اتحاد با هر قدرت بین‌المللی را استعمارشدن کشور تلقی میکنند و می‌گویند که ما مستعمره خواهیم شد، زیر چرخ دنده‌های چین له خواهیم شد و آینده‌ی خوبی را متصور نمیشوند! دسته‌ی سوم، افرادی هستند که با نگاهی غیرعلمی توأم با بی منطق‌ی فراوان، به شدت جناحی می‌بینند قرارداد را، و اینها قرارداد با چین را به این علت میدانند که ما آمديم و نوع تفکر ما در سیاست خارجه طی سال‌های اخیر مُنتَج به قرارداد با چین شد. مثلاً، اگر برجام نبود، قرارداد با چین هم نبود، یا جناب شی جین پینگ دقیقاً بعد از برجام به ایران سفر کرد و یا در آدوار گذشته روابط ما شبیه به قطعنامه‌ها، صرفاً با مخالفت چین همراه بوده، اما امروزه روابط ما با چین مُنتَج به قرارداد راهبردی شده است. چه موافقین و چه مخالفین این سند راهبردی اگر سخنی را مصداقی عنوان کردن در رسانه هاشان، بدانید که دارند به شما آدرس غلط میدهند و در جهت منافع خودشان گزافه گوئی می‌کنند. مثلاً مشاهده شده که مخالفین می‌گویند خلیج فارس را ایران واگذار کرده به چین و یا موافقین گفته‌اند که چین دارد سرمایه‌گذاری تو حوزه نفت ما می‌کند! هر مصداقی که در این خصوص تا این لحظه مطرح بشود از جانب طرفین، اگر نگوییم دروغ محض است؛ بلاشک اشتباهی بیش نبوده و نمی‌باشد. البته، اگر تنها به زمینه همکاری اشاره کنند، صحیح و درست است. اما مثلاً اگر کسی مدعی شد درصد مشارکت ما با این کشور فلان مقدار است یا قرار است چه مقدار سود به چین برسد و چه میزان به ما و یا هزینه‌ی ساختش از فلان جا می‌آید و چنین ادعاهایی، بدانید که کذب محض است! اما زمینه‌ها مشخص هستند. شاید سؤال بیاد برایتان که چرا با قدرت‌های دیگری همچون آمریکا به جای چین نَبستیم؟! خب، توافق راهبردی با چه کشورهایی میشود بست؟! با کشورهایی که یا اهداف مشترکی و یا منافع مشترکی داشته باشیم. نکته‌ی مهمی که بایستی بهش اشاره بکنیم دقیقاً این است که اگر ایران، ایرانِ قدرتمندی نبود که چین اصلاً با او رابطه‌ی راهبردی امضاء نمی‌کرد! یعنی ایرانِ امروز، محور ثبات منطقه شده است. ایران امروز، امنیت را هم صادر می‌کند. ۱۳ الی ۱۴ سالی بود که رئیس‌جمهور چین حتی به عربستان و ترکیه و کشورهای همسایه‌ی ما می‌رفت، ولی ایران نمی‌آمد! علتش چه بود؟ یک علت داخلی و منطقه‌ای داشت، و به علت خارجی و جهانی. علت داخلی‌اش این بود که کشور ما از سال ۸۸، کشوری ناپایدار و بی‌ثبات معرفی می‌شد و علت خارجی و جهانی آن این بود که اوبامایی روی کار آمده بود که شعار تغییر(چنج) میداد و سیاست مماشعت آمریکا در قبال چین شکل گرفت. عده ای گفتند: پس نه شرقی نه غربی،



شماره ۳ / مرداد ماه ۱۴۰۰ / نشریه بینش / صفحه ۵۵

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

مدیر مسئول: محمدرضا ضیاء آبادی / سردبیر: محمد برهم مشکینی

ویراستار: خانم ایرانی/ خانم کشتکار

پل ارتباطی با جاد گیلان از طریق آی دی تلگرام: @jad_guilan_admin



چالش های اقتصادی پیشروی دولت جدید

نویسنده: آروین مجلسی | دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه گیلان

در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری برگزار شد و آیت الله رئیسی با کسب اکثریت آرا پیروز انتخابات شدند
اصلی ترین دغدغه این روزای مردم ایران مسائل معیشتی و اقتصادی است ، حال می‌خواهیم به تعدادی از چالش های اقتصادی پیشروی دولت جدید بپردازیم:

رشد بالای حجم نقدینگی

رشد بالای حجم نقدینگی در کشور و بی توجهی در هدایت آن به بخش تولید مشکلات فراوانی را برای اقتصاد ایجاد کرده است. فعال شدن بازارهای سفته بازی، رکود اقتصادی، تورم سنگین و درنهایت گرانی و کم ارزش شدن پول ملی نمونه ای از تبعات منفی رشد بالای نقدینگی است.

البته سیاست های کارشناسانه خاصی برای جلوگیری از رشد نقدینگی وجود دارد که این سیاست های زنجیره وار به هم متصل هستند و تا زمانی که اقتصاد کشور با برنامه ریزی درست بر ریل توسعه قرار نگیرد و موانع سد راه با کار کارشناسی دقیق زدوده نشود نمی توان مانع رشد نقدینگی در کشور شد.

قاچاق کالا

واردات بی‌رویه و قاچاق فراوان اجناسی که در داخل کشور تولید می‌شود نه تنها سبب بی‌رونقی فعالیت تولیدکنندگان شده بلکه قاچاق سبب شده ،که کالاهای داخلی با عدم استقبال مردم مواجه شود و نبود خریدار و فروش نرفتن اجناس نیز عاملی برای تعطیلی کارخانه‌ها است.

مسئله حمایت از تولید ملی و رونق تولید برای چرخیدن چرخ دنده‌های کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی موضوع کوچکی نیست. زیرا امروز مبحث اقتصاد، موضوع اول کشور است و رویکرد کشور باید اقتصاد مقاومتی باشد که در تکانه‌ها و شرایط بحرانی خاص آسیب نبینیم.

ضعف در دیپلماسی اقتصادی

استفاده از دیپلماسی اقتصادی میتواند زمینه ساز تحول در اقتصاد کشور باشد متأسفانه دولت آقای روحانی جهان را خلاصه در آمریکا و چند کشور اروپایی میدانند و این عامل سبب میشود که از پتانسیل های اقتصادی موجود غافل شوند. وجود بازارهای چند صد میلیونی در کشورهای همسایه و همچنین بازارهای کشورهای آفریقایی و آسیای میانه نمونه ای از این ظرفیت ها است که دولت جدید میتواند با سیاستگذاری های درست در حوزه دیپلماسی اقتصادی زمینه ساز تحول و جهش در اقتصاد کشور باشد

آسیب های اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا

شیوع ویروس کرونا در کشور منجر به تعطیلی و یا محدود شدن بسیاری از کسب و کارها و بیکاری بخش قابل توجهی از هموطن های عزیز ما شده است متأسفانه سوءمدیریت در دولت آقای روحانی در مواجهه با پاندمی کووید ۱۹ سبب تشدید مشکلات به خصوص در زمینه اقتصادی شده است و یکی از سخت ترین چالش های دولت جدید جبران خسارات های ناشی از شیوع ویروس کرونا خواهد بود

ولنگاری فرهنگی

نویسنده: ساجده ایرانی | دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه گیلان

فرهنگ را می توان واژه ای به معنای کلی و برای اشاره به ابعاد نمادین و آموخته ی جامعه ی انسانی و اشاره کننده به مجموعه ی اموری دانست که در جامعه ی انسانی با روش ها و شیوه های تعامل اجتماعی و از طریق هر یک از افراد به یکدیگر منتقل می شود؛ به همین دلیل، فرهنگ مجموعه ی پیچیده ای شامل دانستنی ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین و هرگونه توانایی های دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد. با توجه به برون داد اجتماعی ای که فرهنگ دارد؛ فرهنگ را باید حاصل کنش اجتماعی افراد آن جامعه و اجتماع انسانی دانست که در طی روابط شکل گرفته ی اجتماعی ایجاد و نهادینه شده، پایداری یافته و به نسل های بعدی منتقل می شود؛ تا حدی که می توان آن را پدیده ای تاریخی و اجتماعی و شکل گرفته در بین نسل های متمدنی یک جامعه دانست.
علاوه بر این با شکل گیری فرهنگ و ارزش ها و ضد ارزش هایی که از طریق آن شکل می گیرد، فرهنگ در رابطه ای دو سویه بر رفتار افراد جامعه تاثیر می گذارد و هویت فردی و اجتماعی آنان را شکل می دهد، چنانچه که در قالب هر فرهنگی، گفتمان های فرهنگی مختلفی شکل می گیرند که تاثیر هویت بخشی فردی و اجتماعی دارند و حتی نشان دهنده بعد ایدئولوژیک آن نیز هستند. به نحوی که کارکردهای گوناگون فرهنگ پایه در این گفتمان و از طریق آن ها شکل می گیرد.

نابسامانی در تولید و مدیریت کالاهای فرهنگی مناسب:

از یک نگاه کل باید گفت کالای فرهنگی یعنی هر آن چیزی که توسط مراکز فرهنگی تولید و عرضه می گردد و یا به عبارتی گویا تر برون داد یک مرکز فرهنگی. حال این مرکز می تواند یک شرکت فیلم سازی یا یک باشگاه فرهنگی ورزشی و یا حتی یک شرکت دانش بنیان باشد که در راستای تولید بازی های رایانه ای حکایت می کند. از طرف دیگر این تولید کننده بسته به دولتی یا غیردولتی بودن آن، می تواند یک نهاد یا سازمان شهری، استانی، ملی و یا حتی فراملی باشد. با وجود تمام این تفاوت ها و تمایزات نباید فراموش کرد که در یک کشور هر تولید کننده ای، فرهنگی یا غیر فرهنگی در یک کشور مصمم باشد. درمقوله تولیدات فرهنگی باید اذعان کرد با پایان یافتن دوران دفاع مقدس و آغاز دوران پساجنگ، جنبه ی غالب در سیاست گذاری فرهنگی مبتنی بر اسلامی زده کردن تولیدات فرهنگی غرب بود است، امری که به وضوح اثرات آن را امروزه در انواع و اقسام تولیدات فرهنگی از فیلم و سریال گرفته تا نوع پوشش و سبک زندگی چهره های خاص سینمایی و حتی ورزشی می توان مشاهده نمود.

رویکرد اسلامی زده به عبارتی صریح، ساده و گویا همان دریافت یک محتوای فرهنگی از غرب و ارائه ی آن با یک برچسب اسلامی است. در حقیقت در این روند یک وارد کننده ی فرهنگی صرف نظر از انگیزه ی خیرخواهانه و یا منفعت گرایانه اش در تعامل خویش با فضای فرهنگی غرب، به عنوان فرهنگ مسلط و غالب در دنیای مدرن، نسبت به برخی از تولیدات فرهنگی آن سمت و سوی مثبتی یافته و به دنبال آن می کوشد تا همان کالا را در قالب مجوز و تاییدیه ای از یک نهاد و یا حتی یک دوبله ی تلویزیونی و... با نام تولید اسلامی عرضه نماید.

به نظر می رسد گسترش پدیده ای اسلامی گری را باید بیش از هرچیز، معلول نگاه سطحی و دفعی به مقوله ی فرهنگی دانست که این امر نیز به روشنی حاکی از فقدان یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده در این وادی است، همان گونه که رهبر معظم انقلاب به درستی فرمودند: من هم معتقدم روحیه ی آزاد اندیشی وجود داشته باشد، هم برنامه ریزی عادلانه باید وجود داشته باشد نه بی برنامه گی و ولنگاری فرهنگی ،نه جزم اندیشی و تحجر و استبدادفرهنگی هیچ کدام از این دو طرف قضیه را بنده قبول ندارم. راه صحیح این است که برنامه ریزی کنیم، هدایت کنیم و فکر کنیم به روش های خوب.



شماره ۳ / مرداد ماه ۱۴۰۰ / نشریه بینش / صفحه ۵۶

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

مدیر مسئول: محمدرضا ضیاء آبادی / سردبیر: محمد برم مشگینی

ویراستار: خانم ایرانی/ خانم کشتکار

پل ارتباطی با جاد گیلان از طریق آی دی تلگرام: @jad_guilan_admin



روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

فرید جوادى ثمرين | کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گیلان

روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه دو کشور بزرگ خاورمیانه در طول سال های متمادی، از درجه ارتباط بالاتری در سطوح مختلف با توجه به سیاست های داخلی و خارجی خود، برخوردار بوده‌اند. این روابط در طول سال‌ها فراز و نشیب‌های گوناگونی را تجربه کرده‌است. روابط ایران و ترکیه به عنوان دو کشور مهم منطقه در طول قرن ها و ادوار تداوم داشته‌است. به طوری که با وجود افت و خیز در روابط متقابل طرفین به نقش تاریخی خود در حفظ و ارتقای روابط واقفند و هرگز منافع گسترده و فراوان میان دو طرف قربانی منافع کوتاه مدت و مقطعی نشده‌است.

دو کشور ایران و ترکیه از دیرباز یکی از مهمترین شرکای خوب هم در زمینه اقتصادی – تجاری می‌باشند و همواره نیز در طول زمان به دنبال توسعه و افزایش همکاری میان هم بوده‌اند. این کشور را (ترکیه) می‌توان در زمره کشورهایی قرار داد که سهم مهمی از همکاری را در چندین دهه با جمهوری اسلامی ایران در خود جای داده است. دو کشور با توجه به اینکه منطقه ای بسیار مهم شمرده می شوند، در روند پیشبرد امورات اقتصادی و تجاری می توانند نقشی مهم و مثبت ایفا کنند. کشور ترکیه در سال های اخیر در نتیجه بهبود محیط سیاسی، ایجاد زمینه ها و فرصت ها برای سرمایه گذاری از جریان ورود سرمایه بسیار عظیمی چه داخلی و چه خارجی بهره برده است و همین امر ترکیه را بر آن داشته تا شروع به تامین مالی پروژه های عظیم در توسعه منابع طبیعی و زیرساخت ها به منظور متنوع کردن اقتصاد بپردازد.

از سال ۲۰۰۲ در روابط اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه ظرفیت های جدید و زیادی برای همکاری بیشتر ایجاد شد. از سال ۲۰۰۲ در روند روابط اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه ظرفیت‌های زیادی بهتری برای گسترش، انجام شده و همچنان سیری صعودی دارد.

انرژی

یکی از مهمترین وجه ارتباط راهبردی دو کشور جمهوری اسلامی ایران با ترکیه در زمینه مسائل انرژی می باشد. جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین تامین کنندگان منابع انرژی اعم از نفت و گاز ترکیه می‌باشد که از طریق احداث خط لوله انتقال پیدا می‌کند. با توجه به تحریم های ناعادلانه و یکجانبه ایالات متحده آمریکا، حجم خرید این منابع کاسته شده‌است. کشور ترکیه از سال ۲۰۱۰ با تشدید تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه ایران و این کشور، نه تنها از واردات نفت ایران محروم شد، بلکه بخش عظیمی از درآمد از سوی جمهوری اسلامی ایران را نیز از دست داد. تحریم‌های ظالمانه آمریکا در زمینه مفاهیم اقتصادی بسیار تاثیر گذار بوده است. تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا به قدری مسائل حساس اقتصادی را درهم بلعید که اقتصاد عظیم کشور را دچار شوک بی سابقه ای قرارداد. اما کشور ترکیه چراغ حمایت از ایران را در قبال تحریم های ایالات متحده آمریکا در برگرفت و به ادامه همکاری با جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

تجارت

تجارت یکی دیگر از عوامل مهم ارتباط بین دو کشور محسوب می شود. جمهوری اسلامی ایران و ترکیه علاوه بر حوزه های همکاری موجود، در زمینه تجارت نیز همکاری های دو جانبه و تاثیر گذاری را تجربه کرده اند. ترکیه تنها کشوری می‌باشد که در میان همسایگی با جمهوری اسلامی ایران قرارداد تجاری ترجیحی به امضا رسانده‌است. طبق آمارهای رسمی، حجم تجارت خارجی دوجانبه جمهوری ترکیه و جمهوری اسلامی ایران حدود ۱۱ میلیارد دلار می‌باشد که از این رقم میزان صادرات جمهوری اسلامی ایران به ترکیه ۷/۵ میلیارد دلار و میزان صادرات ترکیه به جمهوری اسلامی ایران نزدیک ۳/۵ میلیارد دلار است. تراز تجاری ایران با ترکیه ۴/۲+ میلیارد دلار به سود ایران می‌باشد. با این وجود ارزش کالای جمهوری اسلامی ایران با ترکیه در فصل اول سال ۲۰۲۰ حدود ۶۴۵ میلیون دلار بوده است که نسبت

به فصل نخست ۲۰۱۹ حدود ۷۰٪ کاهش را تجربه کرده‌است. ترکیه از دیرباز حدود یک چهارم از نفت خام، حدود یک پنجم از گاز خود را از جمهوری اسلامی ایران وارد می‌کند. می‌توان گفت دوست و همراه جمهوری اسلامی ایران در زمینه انتقال و تجارت در زمینه انرژی می‌باشد.

تجارت یک مقوله مهم برای کشورها به خصوص جمهوری اسلامی ایران و ترکیه است و همچنین اهمیتی بسیار حیاتی دارد. چرا که میتواند به طور کمی و کیفی در توسعه اقتصادی و صنعتی این کشورها نقشی اساسی داشته باشد. دو کشور در تجارت کالاهای نفتی و غیرنفتی دارای تجارت مکمل هستند که این امر به ویژه در بخش ماشین آلات، وسایل مکانیکی و الکترونیکی بسیار مشهود است. علی‌رغم وجود پتانسیل تجاری درخور توجه در صادرات و واردات کالاهای غیرنفتی بین دو کشور تاکنون طبق سیاست‌های بازرگانی اتخاذ شده کشورهای مذکور موفق به بهره مندی از ظرفیت های تجاری موجود نشده اند از این رو اتخاذ سیاست توسعه همکاری های بازرگانی در قالب ترتیبات تجاری ترجیحی میتواند زمینه مناسب جهت تسهیل و افزایش جریان های تجاری بین دو کشور را فراهم آورد.

کشورهای مذکور برای توانمند شدن جهت کسب حداکثر منافع و تقلیل زیان ها بایستی مساعی فراوانی را برای آماده سازی خود برای انجام همکاری‌های تجاری در قالب موافقتنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به انجام برسانند. لذا مشارکت این کشورها در فرایند مذاکرات تجاری در قالب موافقتنامه های منطقه‌ای و بین‌المللی میان آنها میتواند دسترسی به بازارهای یکدیگر و نیز بازارهای بزرگ اتحادیه اروپا را نیز بیشتر تسهیل نماید. جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در بخش انرژی، نفت، گاز و تجارت غیر نفتی دارای تجارت مکمل هستند. در این میان ایران در صدور وسیله نقلیه و تجهیزات حمل و نقل، ماشین آلات، وسایل الکترونیکی، مواد پلاستیکی و تجهیزات نظامی در تجارت با ترکیه دارای تجارت مکمل بالایی میباشد. همچنین ترکیه در زمینه ماشین آلات، وسایل مکانیکی و الکترونیکی، چوب و اشیای چوبی دارای تجارت مکمل با ایران می باشد. موانع تعرفه‌ای میان کشورهای مذکور در کاهش دسترسی تجار به این کشورها به بازار یکدیگر و توسعه تجارت بین کشورها بسیار تاثیرگذار بوده است(ثاقب و نوروزی، ۱۳۹۸).

توریسم

توریسم نیز یکی از مهم ترین و اصلی ترین درآمدهای بسیاری از کشورهای دنیا است که موجب درآمد زایی برای کشور میزبان می‌شود. کشور میزبان از طریق توریست و گردشگری اقدام به انتقال فرهنگ، آداب و سنن، سبک زندگی و مواردی از این دست می‌نماید. در سال ۲۰۱۳ ترکیه پذیرای ۳۹ میلیون گردشگر بوده‌است. بطوریکه تلویزیون ترکیه اعلام کرد که مقصد اول گردشگران نوروزی ایرانیان در تعطیلات، کشور ترکیه بوده‌است. امروزه توریسم به عنوان صنعتی درآمد زا و نجات بخش از لحاظ اقتصادی برای کشورهای مختلف معرفی شده‌است. گردشگری اگر به درستی در راهبردهای توسعه ی کشور جای بگیرد میتواند اساس نظام‌های مولدی با هدف ریشه‌کنی فقر و هم پیوندسازی کشورهای در حال توسعه قرار بگیرد(حاتمی و همکاران، ۱۳: ۴). صنعت گردشگری زیر مجموعه صنایع و خدماتی می‌باشد و از آنجا که خدمات یکی از موارد مهمی است که تولید یا ارزش افزوده آن در محاسبه تولید ناخالص داخلی یک کشور لحاظ می گردد، در نتیجه درآمد حاصل از گردشگری در کشور در تولید ناخالص داخلی نیز محسوب می شود و به صورت مستقیم در رشد اقتصادی کشور نیز تاثیرگذار می‌باشد(حقیقت و همکاران، ۱۳۹۲). در نهایت هرچه در زمینه تجاری، اقتصادی، انرژی، توریسم و... رشد فزونی یابد، طبیعتاً ارتباط دوطرفه نیز گسترش خواهد یافت

مذاکرات ۱+۵ (رویکردها، نتایج و عواقب)

نویسنده: میثم قلی‌پور | دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه گیلان

۷- باقی ماندن همه‌ی مسیرهای تحریم‌های اتحادیه اروپا، آمریکا و شورای امنیت
۸- اتحادیه اروپا برخی از تحریم‌ها را لغو، برخی را تعلیق و برخی دیگر را هشت سال پس از اجرای
برجام تعلیق می‌کند.

۹- مطابق متن برجام در صورت عدم خروج آمریکا از برجام؛ آمریکا هیچکدام از تحریم‌های
اقتصادی و مالی هسته‌ای را لغو نمی‌کند و فقط برخی تحریم‌های اقتصادی و مالی ثانویه هسته‌ای
را هر ۱۲۰ روز توسط دستور رئیس‌جمهور توقف موقت اجرا (cease) می‌نمود که برخی از همین
تحریم‌های اقتصادی و مالی ثانویه هسته‌ای مربوط به دستورهای اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا
نیز استثنای شده بود. مطابق متن برجام هیچکدام از تحریم‌های اولیه اقتصادی و مالی هسته‌ای و
تحریم‌های ایالتی لغو، تعلیق و حتی توقف موقت اجرا نمی‌شد.

پس از خروج آمریکا از برجام و تبدیل شدن آن به یک توافق مرده و وقت‌کشی‌های مختلف
اروپایی‌ها در چگونگی اجرای برجام پس از خروج آمریکا، با روی کار آمدن جو بایدن مذاکرات
بازگشت به برجام و احیای این توافق آغاز شد و ۶ دور مذاکرات در وین انجام شده است. مذاکرات
وین با این هدف آغاز شد که ایالات‌متحده به برجام برگردد و تمامی تعهدات سال ۲۰۱۵ را مورد
پذیرش قرار دهد. درحالی‌که هرگونه مذاکره تابعی از سیاست قدرت و شکل خاصی از موازنه قدرت
خواهد بود. آمریکایی‌ها اگرچه به این موضوع اشاره دارند که انگیزه برگشت به برجام را دارا هستند،
اما در عین حال از سازوکارهای مفهومی برای تنظیم دستور کار جدیدی بهره می‌گیرند که اولاً
تعهدات آمریکا را کاهش دهد و ثانیاً زمینه برای شکل‌گیری تعهدات و تکالیف بیشتر از سوی ایران
را فراهم آورد. دستور کار مذاکرات هسته‌ای وین ماهیت کاملاً پیچیده و در هم‌تنیده‌ای با سایر
موضوعات راهبردی و امنیت ملی دارد. آمریکایی‌ها درصدد هستند تا شکل جدیدی از دیپلماسی
گام‌به‌گام با ادبیات متنوع و تعهدات جدید را در دستور کار قرار دهند. مسئله مربوط به پایان دادن به
تحریم‌ها مفهوم کلی در ادبیات آمریکایی محسوب می‌شود. آمریکا موضوع تحریم‌های برجامی را در
دوران دونالد ترامپ تکثیر کرده و آن را در حوزه‌های مختلف تحریم موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشر
نهادینه کرده است. تکثیر تحریم‌های اقتصادی و راهبردی ایران توسط آمریکا چالش بزرگ مذاکرات
وین محسوب می‌شود.

در حال حاضر با توجه به روی کار آمدن دولت سیزدهم مذاکرات وین متوقف شده و همه نگاه‌ها به
دولت حجت الاسلام ابراهیم رئیسی است و اینکه وی و تیم وزارت خارجه جدید چگونه می‌توانند
این توافق مرده را زنده و از حداقل منفعت‌های آن، کشور بهره‌مند گردد.

سیر تحولات روابط ایران و آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بررسی دکتترین‌های
سیاست خارجی رؤسای جمهور آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران حاکی از رویارویی و تقابل بین
دو کشور در هر دو سطح تعارضات ماهوی و اختلافات در اصول رفتاری دارد. دامنه این تعارضات با
روی کار آمدن رؤسای دموکرات از کاهش نسبی برخورداری می‌گشت. به عنوان مثال با روی کار آمدن
باراک اوباما و انعقاد برجام، به نظر می‌رسید، فصل نوینی در روابط دو کشور گشوده گردد به همین
دلیل، پس از اجرای تعهدات دو طرف بر اساس برجام، تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای
ایران در تاریخ ۲۶ دیماه ۱۳۹۴ در پی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر پایبندی ایران
به تعهداتش لغو، برخی تعلیق و برخی اجرایش موقتاً متوقف شد. از این دوران که با پایان یافتن
تحریم‌های ضد ایرانی آغاز شده است، عموماً با عنوان پس‌برجام یا پس‌تحریم یاد می‌شود. هرچند
که در عمل چنین امری رخ نداد و با کارشکنی آمریکا و اروپایی‌ها عملاً این ایران بود که به تعهدات
خود کامل عمل نموده بود و بسیاری از تحریم‌های هسته‌ای به بهانه‌های دیگر از جمله: مسائل حقوق
بشر، حمایت از تروریسم، توانایی موشکی دوباره وضع گردید. با روی کار آمدن دونالد ترامپ به
عنوان رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۶، وی تا حد زیادی رویکردهای نومحافظه‌کاران را
طراحی و اجرا نمود. وی با فاجعه قلمداد کردن برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام، ایالات متحده
را بزرگترین بازنده‌ی این قرارداد تلقی کرد و این مسئله را فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران در
نظر گرفت تا با سهولت بیشتری به اقدامات ماجراجویانه خود در منطقه و حمایت از شبه نظامیانی
همچون حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن و دیگر نیروهای شیعی منطقه مبادرت
نماید. در نهایت دونالد ترامپ پس از ۱۶ ماه کش و قوس‌های فراوان در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷
بصورت رسمی اعلام نمود که آمریکا از برجام خارج شده است.

نتایج بدست آمده از این توافق را بصورت خلاصه می‌توان در قالب موارد زیر ارائه نمود:

- ۱- پذیرش رسمی ایران در باشگاه هسته‌ای جهان،
- ۲- پذیرش محدودیت‌های شدید کمی و کیفی در فعالیت‌های هسته‌ای و انصراف از صد حق
هسته‌ای در زمان‌های ده‌ساله، پانزده‌ساله و بعضاً همیشگی؛
- ۳- پذیرفتن دسترسی‌ها و بازرسی‌های غیرمتعارف توسط سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای
- ۴- دریافت چند اجازه محدود و مشروط در حوزه غنی‌سازی
- ۵- خاتمه، تعلیق و توقف برخی از تحریم‌ها با امکان بازگشت فوری آنها
- ۶- پذیرش موضوع تحقیق و توسعه (R&D) در بخش هسته‌ای از سوی طرف‌های مقابل



شناخت و تفاوت طالبان با داعش و القاعده

دانیال فیروزی (دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی)

همین مجاهدین شروع شد! اواخر جنگ شوروی و افغانستان بود یک سری از مجاهدین دیدند که در حال پیروزی هستند، این فکر و ایده به ذهن شان آمد: که چرا در واقع این پیروزی و سیستم جهادی را در سایر نقاط جهان برای اسلام و مسلمین استفاده نکنند؟ تا سایر مسلمین لذت آن را بچشند، که این مبنای شکل گیری گروهی بود به نام القاعده که مؤسس آن، عبدالله عزام بود. القاعده را بیشتر با نام بن لادن می شناسند. این گروه به واسطه ی برج های دوقلوی آمریکا، خیلی سر زبان ها افتاد. اما بنیان گذار داعش، ابو مصعب الزرقاوی بود. زرقاوی برخلاف رهبر طالبان و القاعده، اهل دانش و تحصیل و حتی اهل دیسیپلین نبود و با بن لادن اختلاف نظر داشت. زرقاوی به شدت افراطی بود خصوصاً نسبت به مذهب شیعه. او قائل به تکفیر شیعیان بود و به شدت عامل جنگ و اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن بود. او خرده های ۸۰ میلادی، زرقاوی هم به افغانستان رفت که به مجاهدین پیوندد، اما وقتی رسید که دیگر جنگ رو به اتمام بود و شوروی هم در حال ترک خاک افغانستان بود. نهایتاً در سال ۲۰۰۴، القاعده با پیوستن زرقاوی و گروهش به القاعده موافقت کرد. زرقاوی شد مسئول گروه القاعده در عراق. اوضاع عادی پیش می رفت، تا اینکه زرقاوی در یکی از بمباران هایی که ارتش آمریکا در عراق داشت، کشته شد و معاونین اش هم دستگیر شدند و این گروه موقتاً از بین رفت. تا این که آمریکا در سال ۲۰۱۱ تصمیم گرفت، از عراق خارج شود. این تصمیم آمریکا و سایر اتفاقات در منطقه ی خاور میانه، مصادف شد با بهار عربی (انقلاب های عربی) و از طرفی هم، جنگ داخلی سوریه شروع شده بود. در عراق ابوبکر البغدادی رهبری همین گروه از القاعده را برعهده گرفت. در سال ۲۰۱۳، ابوبکر البغدادی اعلام کرد که خلیفه ی تمامی مسلمین جهان است و رسماً داعش را شکل داد! طالبان قائل به تشکیل امارت اسلامی فقط در حوزه ی جغرافیایی افغانستان است. طالبان پایبند و قائل به مذاکرات

طالبان از واژه ی طلبه، به معنای دانش، دانش آموز و دانشجو می آید. اینان کسانی بودند که در مدارس اسلامی جنوب افغانستان و شمال پاکستان، درس می خواندند. یکی از معلم های این مدرسه که بعدها بنیان گذار طالبان شد، مُلاً عَمَر بود. طالبان هنگامی که مشاهده کرد هر تکه از افغانستان را یک طرف با خودش حمل می کند و بی عدالتی نیز فراگیر شده است، از جنوب افغانستان شروع به حمله کردن کرد و وارد قندهار شد. در آن مقطع، مردم افغانستان هم از حضور طالبان استقبال می کردند، زیرا که دل شان می خواست یک نیرویی باشد تا کشور افغانستان را از آن حجم از بی عدالتی، بی قانونی و هرج و مرج خارج کند. طالبان، کار را خوب شروع کرد تا جایی که بخش های بسیار زیادی از خاک افغانستان را گرفت. رهبر فعلی طالبان از سال ۲۰۱۶، مولوی هبت الله اخوندزاده است. هنگامی که تصویری از داعش، القاعده و طالبان در رسانه می بینیم؛ شاهد قتل و کشتار و این طور مباحثیم! اما وقتی که می گوئیم این سه با یکدیگر تفاوت دارند، برای این است که بدانیم اکنون اگر طالبان خیلی از خاک افغانستان را گرفته است و دارد پیش روی می کند، با چه گروه و موجودی دقیقاً سروکار داریم؟ برای چه طالبان آمد ایران و رسماً با دولت ایران مذاکره کرد؟ برای چه طالبان از لیست تروریست هایی همچون القاعده و داعش و اینها جدا شد؟! وقتی می گوئیم اینها با یکدیگر تفاوت دارند، از این سخن می گوئیم که در بعضی از موارد با یکدیگر همکاری کرده اند، در بعضی از موارد و جاهها با یکدیگر جنگیده اند. مثلاً طالبان با داعش در افغانستان جنگیده است! یا مثلاً القاعده با داعش در سوریه جنگیده است! اما، دقیقاً تفاوت اینها با یکدیگر چیست؟؟ ۱۰ سال پس از انقلاب ایران (۱۳۵۸)، شوروی به افغانستان حمله کرد. یک سری اسلام گرایان همگی متفق القول، از نقاط مختلف دنیا تشریف آوردند به افغانستان و با شوروی جنگیدند. اتفاق و اختلاف از داخل





شماره ۳ / مرداد ماه ۱۴۰۰ / نشریه بینش / صفحه ۹۰

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

مدیر مسئول: محمدرضا ضیاء آبادی / سردبیر: محمد برم مشگینى

ویراستار: خانم ایرانی/ خانم کشتکار

پل ارتباطی با جاد گیلان از طریق آی دی تلگرام: @jad_guilan_admin



القاعده، بعد از اینکه محمد مُرسی به زندان افتاد، از مُرسی حمایت کرد. داعشی ها با او کَلّی مخالفت کردند و الظواهری را متهم به حمایت ازطاغوتِ دموکراسی کردند. داعش حکومت اش محدود به جغرافیایِ خاص و اصلاحِ چند کشور نیست! داعش کلاً بهدنبال خلافت اسلامی دراقصى نقاط دنیاست. دشمن شماره یک داعش براساس ترجیح دشمن نزدیک بر دشمن دور، مشرکین وشیعیان اند! درارتباط با انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱، داعش مفهومی تحتِ عنوان انقلاب را برخلاف القاعده قبول نداشت. شعار داعش هجرت و جهاد است. آنان معتقدند که یا بایستی هجرت به مکانی بکنی و ازآنجا خود را آماده‌ی حمله و جهاد کرد، یا یک امارتی تحت نظر دارالاسلام که داعش باشد، ساخته شود. داعش از منظرفکری ، پیرو مکتب سلفی‌های خاورمیانه است و اعتقادات داعش مبتنی برفرقه‌ی وهابیت است. کار داعش تکفیر است! و به‌راحتی حکم تکفیر کسانی که خلافت اسلامی را قبول نداشته باشند را می‌دهد. در واقع، همچون القاعده و طالبان اهل تکفیر است. البته، تحجّر نقطه اشتراک این سه گروه با یکدیگر است. آن هم تحجّر درهمه‌ی زمینه ها! تحجّر دینی- مذهبی- اجتماعی. تحجّر در اُمور زنان(حقوق زنان، حضورزنان درفضای اجتماعی ومجامع علمی و...)، ویک نگاه کاملاً انحصارگرایانه دارند و اقوام، مذاهب وادیان دیگررا نمی‌پذیرند. در کشتارغیرنظامیان هم دقت چندانی ندارند! درواقع، دراُموراجرای احکام، دَقّت چندانی ندارند؛ زیرا که عمد و غیرعمد به کَرّات اتفاق اُفتاده وما شاهد آن بوده‌ایم.

چالش طالبان برای ایران

سیدمحمدشفیعی‌کنارسری | دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

اگر از نکاتی که بیان شده بگذریم می‌بینیم که طالبان سیاستی را در پیش گرفته که به همسایگان خود اطمینان دهد که هیچ‌خطر یا دردسری از سوی‌انها،کشورهای همسایه‌شان را تهدید نمی‌کند، شاید برخی بگویند برای این است که ظاهری موجه از خود نشان دهند و بعد از رسیدن به قدرت رویه‌شان چیز دیگری خواهد بود.

در قبال ایران به نظر نمی‌رسد که طالبان ریسک‌کنند و بر علیه ایران کاری کنند یا ایران را به چالش بکشند،چرا؟ چون از قدرت‌نظامی و موشکی ایران خبر دارند و از طرفی گروه‌های شیعه طرفدار ایران نیز هستند که در صورت خطا از سوی طالبان آنها را با چالش موجه سازند.

اما خوب چالش‌هایی که می‌تواند توسط طالبان برای ایران ایجاد شود :اولاً جنگ شیعه و سنی و کوچ شیعیان هزاره به ایران، ثانیاً قاچاق مواد مخدر و ایجاد دردسر برای ایران در رابطه با موادمخدر ،ثالثاً همکاری با گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب در شرق ایران، رابعاً اقدام به حرکت‌های تروریستی در شهرهای شرقی ایران درگیری‌های مرزی و..... اینها چالش‌هایی است طالبان می‌تواند ایران را با آن درگیر بودند و بیشتر از اینها هم خواهد بود که در این مقال نمی‌گنجد، اما چیزی که واضح است ایران بنا به دلایلی که ذکر شد نیازمند رابطه با طالبان است و از سوی دیگر طالبان برای حفظ و تثبیت قدرت خود نیازمند ارتباط با ایران و سایر همسایگان است و از سوی دیگر این دو نکته را هم باید در نظر داشت: ۱. هرگونه عمل بدون احتیاج و عجلوانه از طرف ایران فضای حاکم بر طالبان را از مبارزه با آمریکا به سمت جنگ شیعه و سنی سوق می‌دهد و کمترین عواقبش که گفته شد مهاجرت شیعیان هزاره افغانی به سمت ایران خواهد بود. ۲. طالبان نه مقدس است و نه دوست و نه دست‌نشانده ما ، طالبان مهره بازی شطرنج ماست، طالبان کارتی در کنار دیگر کارهاست که در دست داریم، این ما و این هنر ما که چگونه با این مهره ها کارت بازی کنیم.

سیاسی ، حکومت داری و مسائل مسالمت‌آمیزاست. طالبان آمریکا ودولت تحت حمایت اش درافغانستان را، دشمن شماره یک خود می‌داند. طالبان، سلفی‌هایی با ریشه‌ی حنفی هستند وهیچ نسبیتی هم با وهابیت ندارند. مثلاً وهابیت، زیارت قبور را قبول ندارد، اما طالبان برخلاف آن قبول دارد و خودش نیز اهل زیارت است! طالبان پیرامون جهاد، معتقد است که بایستی یک شورایِ علماءای تصمیم گیرد، آن هم جهاد فقط با کَفّارو نه با مسلمین، زیرا که معتقدند با مسلمانان نمی‌شود جهاد کرد(جوازِ جهاد تنها با کَفّار). طالبان حتی پذیرفته است که در افغانستان، همه پَشتو نیستند. یعنی، همه‌ی مردم افغانستان از یک قوم خاصی نیستند و همه‌ی مردم افغانستان سَنّی مذهب نیستند. لذا، طالبان سعی کرده است که با شیعیان هم تعامل کند. مثلاً قسمت‌هایی در جنوب افغانستان که همین الآن طالبان حضور دارد ، صدای مساجد شیعیان هم شنیده می‌شود! برخلاف طالبان که هدف اش تشکیل امارت اسلامی در محدوده‌ی جغرافیایی افغانستان است، القاعده قائل به تشکیل مُدل خاصی ازحکومت درتمامی کشورهای اسلامی است. آمریکا، دشمن شماره یک القاعده است. در چارچوب فکری القاعده، مقوله‌ای به نام جنگ با شیعه وجود ندارد والویت اصلی خودش را، جنگ و مبارزه با آمریکا می‌داند؛ که البته نمی‌شود گفت مطلقاً اما، خیلی به این چارچوب فکری پایبند نیست. القاعده بیشتربه تفکرات سید قطب علاقه‌مند است. القاعده در فکر واندیشه ، دموکراسی را قبول ندارد. اما درعمل، در یک‌سری ازموارد، کوتاه آمده است که همین باعث شده است تا داعش القاعده را تکفیر کند. مثلاً ایمن الظواهری رهبر

تحلیل ها درباره سیاست ایران در قبال طالبان دو شکل پیدا کرده است دسته اول: جنایات طالبان را تعطیل کرده و این ادعا را دارند که طالبان اصلاح شده اند.

دسته دوم:معتقدند طالبان چیزی همانند داعش است و ایران باید به هر نحوی با این جریان مقابله کند.

اما قبل از هر تحلیلی باید واقعیت هایی را در نظر داشت آمریکا: آمریکا در فاصله سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹، بیش از ۸۲۲ میلیارد دلار جهت جنگ در افغانستان خرج کرده است و بیش از ۲۳۰۰ سرباز آمریکایی نیز کشته شدند و الان هم به نحوی دست از پا درازتر در حال خروج از افغانستان هستند. افغانستان همان جایی است که ارتش سرخ شوروی در باتلاق آن فرو رفت.

بخش عمده تولید و تجارت مواد مخدر در اختیار طالبان است از تریاک قندهار تا هروئین هلمند. ایران برای کنترل تجارت مرگ نیاز به رابطه با طالبان دارد. تا به امروز ۴ هزار نفر در راه مبارزه با مواد مخدر شهید شده‌اند. از طرف دیگر ایران ۹۴۵ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد که حدود ۵۰۰ کیلومتر آن توسط دولت مرکزی افغانستان رها شده است و تحت اختیار طالبان قرار گرفته است. ایران برای حفاظت و امنیت مرزها ناگزیر به ارتباط با طالبان است.

ایجاد ولایت خراسان توسط داعش، در نزدیکی طالبان با ایران نقش زیادی داشته است اگر مقابله و مبارزه طالبان با افکار وهابی نبود بخش زیادی از جوانان افغانی به سمت داعش جذب می شدند. مطالب ذکر شده،گوشه کوچکی از دلایلی بود که جمهوری اسلامی ایران را ملزوم به ارتباط با طالبان می‌کند.

چالش‌های طالبان برای ایران:

طالبان به احتمال فراوان تمام قدرت در افغانستان را به دست‌خواهد گرفت،مگر اینکه اتفاقی معجزه‌وار بیوفتد و طالبان شکست‌بخورد.



شماره ۳ / مرداد ماه ۱۴۰۰ / نشریه بینش / صفحه ۱۰

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه گیلان

مدیر مسئول: محمدرضا ضیاء آبادی / سردبیر: محمد برم مشگینی

ویراستار: خانم ایرانی/ خانم کشتکار

پل ارتباطی با جاد گیلان از طریق آی دی تلگرام: @jad_guilan_admin



فضای مجازی (چالش های فرهنگی و راهکارها)

سارا نادری زاده | دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه گیلان

دست ما می رسد اخبار کذب، شایعه پراکنی و حتی اخبار صدق ولی بسیار وحشتناک و اندوهناک باعث افسردگی و خشم افراد می شود که این یکی دیگر از عوارض بد روحی اینترنت در میان مردم است.

همه اینها مسئولان را به این فکر واداشت تا چاره ای بیندیشند و در پی بیانات رهبر معظم درباره این نوع فضا برنامه ریزان داخلی سعی در اصلاح آن دارند و راه اندازی پیام رسان های داخلی یکی از این موارد است اگرچه خود این موضوع جای بحث دارد و در این مقاله نمی گنجد! چند راهکار برای شیوه صحیح استفاده از فضای مجازی:

۱.مهمترین آن فرهنگ سازی بدون اجبار از طریق تیزرهای تلویزیونی، رادیویی و بیلبورد های خیابانی است.

۲.برنامه ریزی مفید استفاده از فضای مجازی توسط متخصصان این حوزه و دانشجویان مرتبط.

۳.نظام آموزشی صحیح درمورد یادگیری سودمند اینترنت و فضای مجازی در دوران مدرسه و دانشگاه.

۴.استفاده هوشمندانه از فضای مجازی از طریق شبکه های اجتماعی برای ترغیب افراد به انتخاب درست در وب گردی.

۵. جلوگیری از نشر اکاذیب، تصاویر مستهجن و نفوذ در حساب های شخصی و مالی افراد.

۶.همکاری گروه های مختلف اعم از پلیس، کادر آموزش، مسئولان دولتی و خانواده ها در شیوه درست مدیریت استفاده از اینترنت.

اینها نمونه راهکارهایی از میان چندین راهکار صحیح مدیریت فضای مجازی است.

بنابر اعلام وزارت بهداشت خود باوری و هویت فردی سکوی پرواز به سوی ترقی هاست و جوانان عاملان اصلی در این فضا برای انتشار احساس مثبت در این باره هستند.

هر اعتیادی الزاما بد نیست بلکه باید یاد بگیریم اعتیاد مثبت به برخی چیز ها داشته باشیم مانند اعتیاد به کتاب یا اعتیاد به اینترنت برای بالا بردن سطح علمی و نشر اطلاعات مفید و هزاران استفاده سودمند دیگر و فرهنگ سازی در این مورد وظیفه همه ی ماست. فراهم کردن بستر برای شیوه ی مفید استفاده از اینترنت وظیفه ی مهم دولت است چرا که اغلب استفاده کنندگان از فضای مجازی جوانان و آینده سازان مملکت هستند و بی اهمیت جلوه دادن این موضوع ممکن است ناهنجاری های اجتماعی و تزلزل فرهنگی در جامعه را به دنبال داشته باشد که کوچکترین آنها را در پژوهش اشاره کردم مثل عوارض روحی و جسمی افراد،استرس و گوشه گیری ، عادی سازی کارهای ناپسند و درنهایت تغییر فرهنگ جامعه به سوی اعمالی قبیح. در دنیای امروزی که اینترنت عضو جدانشدنی از ماست سعی کنیم در راهی از آن استفاده کنیم که آگاهی و دانش خود و همگان را ارتقا دهیم و فرهنگ اصیل و شایسته ایرانی مان را حفظ کنیم.

امیدوارم این پژوهش مستمر به ثمر واقع شده باشد و ما را به این فکر وادارد که نقش ما در مدیریت خود و خانواده در استفاده بجا از فضای مجازی چیست؟!

جهان کنونی، عصر ارتباطات و تکنولوژی است و همه ی اقشار جامعه در هر گروه سنی و جنسیتی خصوصا جوانان و نوجوانان و حتی کودکان را تحت تاثیر خود قرار داده و به سمت فضای مجازی سوق می دهد. به نوعی زندگی افراد را احاطه کرده به گونه ای که استفاده از فضای مجازی در بین عوام نوعی اعتیاد تلقی می شود!

به هر مقوله ای فکر کنیم هم گزینه های مثبت و هم گزینه های منفی دارد و فناوری ارتباطات نیز از این قاعده مستثنی نیست به تبع آن فضای مجازی هم در نوع خود به علت دسترسی سریع و آسان به افراد مختلف و موضوعات مختلف در جهان هستی و ایجاد چالش های متنوع خوب و بد اجتماعی و فرهنگی به یکی از بزرگترین و مهم ترین مسئله های جهان تبدیل شده است که افراد و گروه های مختلف به دنبال ارائه ی راهکار هایی برای حل این معضل هستند. فرهنگ مجموعه آداب و رسوم و هنجار های مورد قبول یک جامعه است و ورود فضای مجازی به دنیای مدرن باعث هنجار شکنی و ایجاد فرهنگ جدید همراه با رفتار های درست و غلط شد. هدف از این پژوهش شناسایی چالش ها و کشمکش های فضای مجازی و ارائه شیوه مدیریت درست درباره آن است.

اینترنت شبکه ای است جذاب که در آن کسب اطلاعات علمی، تحقیقی همچنین برای سرگرمی، دوست یابی و دنبال کردن اخبار مدتی است همه را درگیر خود کرده و در راه جذب مخاطب روندی صعودی در پیش گرفته است . امروزه استفاده از اینترنت مختص شغل یا سن خاصی نیست و مانند بیماری واگیر دار به همه سرایت پیدا کرده است و این مسئله به سرعت روی فرهنگ جوامع تاثیر می گذارد و گاهی اوقات اوضاع جامعه را متشنج می کند.

اینترنت دنیای جدیدی را به روی همه گشود و فرهنگ جوامع را تغییر داد، ارتباطات را گسترده تر کرد اما در عین گستردگی رقابت در تجمل گرایی و دیده شدن به هر نحو را به دنبال آورد و شاید می توان گفت غرب زدگی و نشر فرهنگ غربی را بیشتر از قبل رواج داد. تعاملات انسانی چه در دنیای حقیقی و چه در دنیای غیر حقیقی باید براساس چارچوب اخلاقی باشد که می توان گفت در فضای مجازی این موضوع را کمتر مشاهده می کنیم.

یکی از چالش های فضای مجازی استفاده نادرست و خارج از عرف آن در مسئله روابط افراد ,به نمایش گذاشتن کارهای ناشایست و بی حجابی است. روابط اجتماعی نه تنها بد نیست بلکه برای بقای جامعه لازم است اما متأسفانه این نوع فضا در اینترنت در معرض سواستفاده قرار گرفته شده و به سمت روابط ناسالم پیش می رود که از لحاظ دینی و فرهنگ ایرانیان نادرست است.

از جمله چالش های دیگر فضای مجازی بازی های آفلاین و آنلاین است که به علت هیجان بالا و ترغیب افراد برای جنگ طلبی جوانان و نوجوانان را به نوعی پرخاشگر و جنگجو و کم تحمل بار آورده که حتی باعث بی احترامی و نزاع بین اعضای خانواده ها شده است.

فرار از اجتماع و گوشه گیر بودن از دیگر آثار سوء این فضااست. علاوه بر عوارض روحی عوارض جسمی هم به دنبال داردکه اختلال در خواب، خستگی، و توقف رشد مغز و یادگیری مثالی از آنهاست.

شاید این نظر من مورد انتقاد قرار گیرد چراکه عده ای کثیر می گویند همه ی مردم برای مسلط بودن به اوضاع باید از همه اخبار روز مطلع شوند. اما در میان انبوه خبری که در فضای مجازی به

